جام جم
حوادث
INCIDENT
۱۹
سه‌شنبه ۲ مرداد ۱۴۰۳ شماره ۶۸۱۷

جزئیات فوت نوزاد ۵ماهه در بیمارستان

مادر نوزاد پنج‌ماهه خرم‌آبادی، جزئیات فوت فرزندش را در بیمارستان شهید مدنی تشریح کرد. چشمان القاصی، نوزاد پنج‌ماهه‌ای بود که خانواده‌اش او را ۲۵ تیر امسال با وجود علائم تنگی نفس برای درمان به بیمارستان مدنی بردند. پزشک معالج در شامگاه همان روز طبق گفته‌های مادر چشمان، تشخیص بیماری کولیک می‌دهد و او را با وجود التماس‌های بیشتر برای درمان، رهسپار خانه می‌کند. حال چشمان در روز بعد از مراجعه به بیمارستان مدنی وخیم می‌شود و سپس این نوزاد با ادعای قصور پزشکی از دنیا می‌رود. مادر چشمان، در این‌باره به باشگاه خبرنگاران جوان گفت: چشمان، هنگام شیرخوردن دچار برگشت شیر شد و سپس بهبود یافت، اما نفس‌کشیدن او رو به وخامت رفت و ساعت ۱۲ شب دوشنبه ۲۵ تیر به این بیمارستان مراجعه کردیم. دو پزشک کودکان در بخش اورژانس بیمارستان مدنی مستقر بودند که یکی از این پزشک‌ها در حال استراحت بود و دخترم را به اتاق پزشک دیگر بردم. وی افزود: پزشک در معاینه دخترم تشخیص کولیک داد و هرچه به او التماس کردم که بیشتر نوزادم را معاینه کند، اما در پاسخ به من گفت که تو حساس هستی، استرس داری و باید نوزاد را تکان بدهی. دخترم را عصر روز بعد دوباره به بیمارستان مدنی بردیم و پزشک معالج به من گفت که چرا دیر مراجعه کرده‌ای و سپس جریان شب گذشته را به او شرح دادم، سرانجام به ما گفتند که امکانات برای درمان نداریم و باید به بیمارستان دیگر مراجعه کنید. پزشک بیمارستان شهید رحیمی تشخیص مشکل قلبی برای فرزندم داد و هرچه به او گفتم که دخترم مشکل برگشت شیر داشته است، حرفم را باور نکرد. خانم یوسفی با شرح این‌که فرزندم در بیمارستان شهید رحیمی دچار ایست قلبی شد و وقتی‌که بی‌نفس شد او را تازه ساکشن ریه کردند، ادامه داد: چرا پزشک بیمارستان شهید مدنی تشخیص اشتباه داد و حالا باید شاهد مرگ دخترم باشم؟

سرقت مسلحانه از خانه پزشک سرشناس

مجید غمخوار
گروه حوادث

دو سارق مسلح با ورود به خانه پزشک مشهور یاسوجی بیش از سه کیلوگرم طلا را مقابل چشمان همسر و دخترش سرقت کردند. دزدان مسلح خود را مامور معرفی کردند و هنگام فرار، دختر هفت ساله خانواده را مورد ضرب و جرح قرار دادند.

ساعت ۷:۴۰ صبح ۲۴ تیر وقتی دکتر اردوان شهبازی، پزشک مشهور یاسوجی از خانه‌اش خارج شد تا به محل کارش برود، نمی‌دانست دقایقی بعد قرار است تراژدی برای خانواده‌اش رخ دهد.

هنوز پنج دقیقه‌ای از خروجش نگذشته بود که همسرش با او تماس گرفت و با گفتن این‌که دزد وارد خانه‌شان شده، سراسیمه تلفن را قطع کرد. پزشک متخصص جراحی پلاستیک بلافاصله به خانه آمد و با در تخریب شده ورودی ساختمان روبه‌رو شد. وارد پذیرایی و اتاق خواب شد و چیزی را که می‌دید باور نمی‌کرد.

دکتر شهبازی در گفت‌وگو با خبرنگار جام‌جم در مورد سرقت میلیاردی از خانه‌اش گفت: روز حادثه ساعت ۷:۴۰ صبح از خانه خارج شدم و خیلی زود همسرم تماس گرفت که دزد آمده است. وقتی رسیدم همسر و دختر هفت ساله‌ام را دیدم که از ترس گوشه پذیرایی پناه گرفته بودند.

وی ادامه داد: خانه من ویلایی است، دزدان دو نفر بودند که با صورت نقاب زده با اسلحه کلت و قمه بزرگ بلافاصله بعد از خروج من از خانه، وارد شده و یکراست به سمت در ورودی رفتند و با شکستن آن وارد ساختمان شدند.

همسرم از صدای شکسته شدن در از خواب بیدار می‌شود و دو مرد مسلح نقاب‌پوش را روبه‌رویش می‌بیند. دزدان مدعی می‌شوند پلیس هستند و یکراست به اتاق خواب رفته و از داخل کمد کیف طلاها را برداشته و قصد فرار داشتند که دختر بچه‌ام به آنها معترض می‌شود که یکی از دزدان با لگد به کمر دخترم می‌کوبد.

این متخصص با بیان این‌که سرقت زیر دو دقیقه انجام شده است، مدعی شد: سارقان بیش از سه کیلوگرم طلای داخل کیف را با خود برده و حتی سمت وجه نقد یا اشیا گرانبهای داخل خانه نرفتند. به نظرم سارقان یا طلایاب داشتند یا آشنا بودند که مستقیم سر کیف طلا رفته و با برداشتن آن فرار کردند.

به‌گفته این پزشک دزدان با یک سمند سفید رنگ از ۵ صبح مقابل خانه او کشیک می‌دادند و بعد از این‌که از خانه خارج شده، دو نفر از آنها از بالای در وارد خانه شده و سرقت را انجام داده‌اند.

او با بیان این‌که پس از ثبت شکایت هنوز هیچ خبری از شناسایی و دستگیری سارقان نیست، گفت: بعد از حضور پلیس و تحقیقات اولیه ماموران به من گفتند که خودتان دوربین‌ها را چک کنید. توجه به این موضوع مهم است، در صورت نبود امنیت هیچ پزشکی حاضر نمی‌شود به این شهر بیاید و مشغول کار شود. تامین امنیت پزشکان اولین خواسته ماست نه این‌که دزدان خیلی راحت با شکستن در وارد خانه شوند و به‌راحتی بیش از سه کیلوگرم طلا را سرقت و امنیت روانی من و خانواده‌ام را از بین ببرند.

اتفاقیه

کارشناس اورژانس تبریز از پشت تلفن زنی را از خطر خفگی نجات داد

برگشت به زندگی از پشت تلفن

لیلا حسین‌زاده
گروه حوادث

چهار دقیقه طلایی، فرصتی بود که هم کارشناس تریاژ تلفنی اورژانس تبریز و هم احیاگر به‌خوبی از آن استفاده کردند تا جان زن ۶۵ ساله‌ای را نجات دهند که به خاطر ورود تکه‌ای پرتقال به داخل ریه تنفس و هوشیاری خود را به‌طور کامل را از دست داده بود. حادثه‌ای که ۱۲ اردیبهشت‌ماه امسال رخ داد و به‌تازگی در فضای مجازی رسانه‌ای شده است.

چند روز قبل، مادر ۶۵ساله تبریزی و پسرش یکی از سخت‌ترین لحظات زندگی خود را تجربه کردند، اما با راهنمایی و خونسردی فاطمه ولیلو، کارشناس تریاژ تلفنی اورژانس تبریز و پسر این زن، همه چیز ختم به خیر شد. ولیلو در توضیح این حادثه به جام‌جم گفت: «روز حادثه پسر این خانم درحالی‌که به‌شدت مضطرب بود با ما تماس گرفت و من پاسخ دادم. وقتی از او شرح حادثه را پرسیدم گفت مادرش پس از خوردن تکه‌ای پرتقال تنفس و هوشیاری خود را از دست داده و صورتش سیانوزه شده است. با دعوت پسر آن خانم به آرامش و حفظ خونسردی، همزمان یک کد آمبولانس و موتورآمبولانس را هم به محل اعزام کردم تا فرصت طلایی احیای بیمار از دست نرود. به آن جوان گفتم گوشی تلفن‌همراه را روی بلندگو بگذارد و با دقت به صحبت‌های من گوش دهد. نحوه انجام ماساژ قلبی را به او توضیح دادم و پسر زن میانسال نیز با وجود اضطراب فراوانی که داشت، اما به‌خوبی به توصیه‌های من عمل کرد و عملیات ماساژ قلبی را انجام داد.» درحالی‌که کارشناس تریاژ تلفنی سعی می‌کرد با راهنمایی‌های خود فضا را آرام کند تا فرصت طلایی برای برگشت زن میانسال از دست نرود، ناگهان زن میانسال براثر ماساژ قلبی توانست کمی نفس بکشد: «پسرش گفت مادرش کمی نفس می‌کشد. به او گفتم دهانش را بررسی کن و ببین تکه‌ای غذا یا میوه می‌بینی که پس از بررسی گفت تکه پرتقال از ریه خارج شده است. نمی‌دانید چقدر خوشحال بود. در ادامه گفتم اگر نفس مادر برگشته است، دیگر به روند ماساژ قلبی ادامه نده و نگران هم نباش تا زمانی که موتورآمبولانس از راه برسد. در چنین مواردی و با وجود برگشت تنفس بیمار، به‌دلیل عوارض احتمالی حتما باید با آمبولانس به بیمارستان منتقل شود. غیر از این مادر و پسر یک فرد دیگر هم در خانه بود که به او گفتم از خانه بیرون برود و موتورآمبولانس را به محل هدایت کند.» ولیلو ۴۸ ساله، ۲۱ سال است که در اورژانس تبریز مشغول به کار است.

به گفته او، اگر در چنین مواردی مردم به توصیه‌های کارشناسان اورژانس توجه کنند و زمان طلایی نجات را از دست ندهند، ۳۰ تا ۴۰ درصد موارد انسداد هوایی با احیای قلبی-ریوی و برگشت بیمار همراه خواهد بود.

برای مشاهده تلاش دیسپچر اورژانس در نجات جان این مادر، کیوآرکد را اسکن کنید

محکمه

متهم در جلسه دادگاه و تحقیقات منکر دومین قتلش شد

قتل یک زن بعد از رهایی از مجازات کشتن همسر

مرد میانسال که چند سال قبل همسرش را کشته و با رضایت آزاد شده بود، حالا به اتهام قتل یک زن دیگر در جلسه محاکمه‌اش بازداشت شد. متهم در تحقیقات منکر قتل این زن شده بود.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، تحقیقات جنایی این پرونده از آذر ۱۳۹۸ و با گزارش قتل زنی در شرق تهران آغاز شد. این زن به تنهایی زندگی می‌کرد و دخترش پس از دو روز بی‌خبری با ورود به خانه با جسد مادرش در حالی که به طرز هولناکی به قتل رسیده بود، روبه‌رو شد. تیم جنایی در بررسی محل قتل، دریافت قاتل با قربانی آشنا بوده و به راحتی وارد خانه شده است. همچنین با توجه به این‌که وسیله باارزشی از خانه سرقت نشده بود، احتمال قتل به دلیل انتقام مطرح شد. ماموران با تحقیقات محلی دریافتند مرد بنگاهداری به نام احسان به خانه مقتول در رفت و آمد بوده که دستگیر شد. مرد میانسال در تحقیقات گفت: مینا جای دخترم بود و من چند بار برای انجام کارهای اداری کمکش کردم. خودم هم از شنیدن خبر قتل او شوکه شده‌ام. با توجه به نبود ادله علیه این مرد، وی آزاد شد تا این‌که سرانجام ماموران با کشف سرنخ‌هایی دوباره به احسان رسیدند و او را دوباره دستگیر کردند. در بررسی‌های جدید مشخص شد، احسان چند سال قبل پس از بازداشت به اتهام قتل همسرش، اعتراف کرد وی را با متکا خفه کرده و جسدش را در رودخانه انداخته است. او پس از مدتی رضایت گرفت و آزاد شد. احسان در بازجویی‌ها منکر قتل مینا شد و بعد از حدود ۱۰ ماه بازداشت به دلیل ابتلای شدید به کرونا بیرون آمد. بازپرس پرونده با توجه به دلایل موجود در پرونده برای او به اتهام قتل کیفرخواست صادر کرد و پرونده برای محاکمه به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد.

درجلسه دادگاه دختر مقتول برای قاتل مادرش درخواست قصاص کرد. سپس وکیل او در جایگاه ایستاد و گفت: همه شواهد به خصوص متن پیام‌های ارسالی مقتول و متهم نشان می‌دهد مینا از ارتباط با این مرد پشیمان شده بوده و قصد داشته به آن پایان دهد که با مزاحمت احسان روبه‌رو می‌شود. حتی مقتول به دوستانش هم گفته بود که از این ارتباط خسته شده است. مینا با کسی مشکل نداشت و تنها فردی که با او مشکل داشت، احسان بود. آخرین بار یکی از همسایه‌ها مینا و احسان را شب قبل از قتل در پارکینگ دیده بود. قبل از کشف جسد یکی از دوستان مینا نگران غیبت او شده و با احسان تماس می‌گیرد که این مرد مدعی می‌شود، مینا کشته شده و سرش را در حمام بریدند. او سابقه قتل دارد و برای او درخواست قصاص دارم. رئیس دادگاه سپس با تفهیم اتهام به احسان از او خواست از خود دفاع کند که این مرد با رد اتهامش گفت: من بنگاه معاملات ملکی دارم. تیر ماه سال ۱۳۹۸ مینا برای پیدا کردن خانه به بنگاهم آمد اما فایل مناسبی نداشتم. روز بعد تماس گرفت و مدعی شد خانه‌ای در دیوار پیدا کرده و خواست همراهش بروم تا سرش کلاه نگذارند. من هم قبول کردم و خانه را در بنگاه من قولنامه کردیم. بعد از این ماجرا به دلیل فوت یکی از بستگان ش به مسافرت رفت و چند ماهی نبود. وقتی برگشت، کارهایی داشت که من انجام می‌دادم. حتی با همکارش دنبال سرویس برای رفتن به محل کار بودند که من سرویس آنها شدم. یک بار برایش کولر جابه‌جا کردم و برای تشکر مرا به شام دعوت کرد و از آن به بعد رابطه ما نزدیک‌تر شد اما عشقی میان ما نبود. چند روز قبل از قتل او را برای شام دعوت کردم که قبول نکرد و من هم پیگیر نشدم. روز بعد هم زنگ زدم اما جواب نداد تا این‌که ماموران روز شنبه سراغم آمدند و فهمیدم مینا پنجشنبه قبل کشته شده است.

رئیس دادگاه : بررسی پیامک‌ها نشان داد این اواخر با مینا اختلاف داشتی؟

متهم به قتل: اگر اختلافی داشتیم، کارهایش را به من نمی‌سپرد. من به او کمک می‌کردم و بیش از این ارتباطی نداشتیم.

رئیس دادگاه: خانه‌ات چقدر با خانه مقتول فاصله داشت؟

متهم به قتل: ما نزدیک هم هستیم. شاید ۱۰ تا ۲۰ متر.

رئیس دادگاه: درباره شهادت شهود چه می‌گویی؟

متهم به قتل: قبول ندارم. یکی از شهود، به دلیل خرید ملک با من اختلاف داشت و شاهد دوم هم دروغ می‌گوید. او چند روز بعد از کشف جسد با من تماس گرفت و دروغ گفته روز کشف جسد زنگ زده است.

وکیل متهم در دفاع از او گفت: موکلم سابقه قتل در پرونده‌اش دارد و همین باعث شده، او را به عنوان قاتل بازداشت کنند.

پس از دفاعیات متهم و وکیلش، قضات دادگاه او را بازداشت و روانه زندان کردند تا درباره پرونده تصمیم‌گیری کنند.

عدلیه

روایتی جدید از قتل مادر و دختری با سناریوی ۲ دختر ۱۸ ساله

مردی که فروشنده قرص‌های مرگبار به دو دختر ۱۸ساله برای قتل یک مادر و دختر بود، در جریان تحقیقات جزئیات تازه‌ای از این جنایت را فاش کرد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، مریم دختر ۱۸ساله و پشت‌کنکوری با هم‌دستی دوستش مینا تحت‌تاثیر فیلم‌های جنایی خارجی و ایرانی نوزدهم اردیبهشت امسال، مادر و خواهر ۱۳ ساله‌اش را در خانه‌شان در محله سعادت‌آباد تهران با غذا و ماست مسموم و به قتل رساند و در سوءقصد به جان پدرش ناکام ماند. دختر خانواده ۹بار به جان خانواده‌اش سوءقصد کرده بود. حتی مریم مدعی بود قرار بوده با مهرداد، فروشنده قرص‌ها ازدواج و بعد از تصاحب اموال باهم به ترکیه و بعد آلمان بروند. مهرداد دو هفته قبل، بازداشت و منکر جرایمش بود. متهمان دیروز به شعبه اول بازپرسی دادسرای جنایی تهران منتقل شدند و ابعاد جدیدی از پرونده را فاش کردند. ابتدا مریم، متهم ۱۸ ساله در اظهاراتش گفت: من و دوستم مینا وابستگی زیادی به هم داشتیم و نمی‌خواستیم جدا شویم. قراربود خانواده‌ام را بکشم تا مهاجرت کنیم. با جست‌وجو در اینترنت شیوه مرگ با سم را پیدا کردم. مهرداد به ما در تهیه قرص، سیانور و آرسینک کمک کرد. شب قبل از مرگ مادر و خواهرم ابتدا من در ماست مادرم سم ریختم که او بد حال شد. روز بعد دوباره سم آرسنیک را گرفتیم و این بار که جوجه‌کباب از مغازه خریده بودیم را همراه ماستی که مینا سم در آن ریخته بود به مادرم دادیم و با مشارکت ما مادرم فوت شد. همان روز من و مینا در کپسول به عنوان قرص تقویتی، سم ریخته و به خواهر نوجوانم دادیم که او هم مسموم شد و مرد. قصد مان کشتن پدرم هم بود که نشد. مهرداد را هم به بهانه ازدواج فریب دادم تا قرص بهتری برای قتل‌ها به من بدهد. همچنین مینا نیز به همدستی و مشارکت با مریم در قتل مادر و خواهر او اعتراف کرد.

مهرداد دیگر متهم پرونده نیز در اظهاراتش گفت : کارگر عطاری‌ام . یک روز در بازار ناصرخسرو، مینا سراغم آمد و از من قرص خواست که ندادم. چند روز بعد با مریم آمدند . اول می‌گفتند پشت‌کنکوری‌اند و قرص‌ها را برای کارهای آزمایشگاه می‌خواهند. ۱۰میلیون تومان پرداختند و قرص‌ها را بردند. چند بار قرص‌ها را خریدند اما برای‌شان بی‌نتیجه بود. مریم یک روز آمد و گفت، می‌خواهد خانواده‌اش را بکشد اما قرص‌ها اثر نمی‌کند و اعتمادم را جلب کرد و فریبم داد. از میان حرف‌هایم فهمیده بود ۱۰۰ میلیون تومان پول به چند نفر بدهکارم. به من گفت ۲۰ میلیون تومان دیگر می‌دهد، بدهی‌ام را می‌پردازد و با هم ازدواج می‌کنیم و از ثروتی که به او می‌رسد سهمی نصیبم می‌شود. همین حرف‌ها وسوسه‌ام کرد با او همراه شوم. قرص‌های قوی‌تر و بعد حتی آرسنیک و سیانور به او دادم تا نقشه جنایت را عملی کند. یک بار خانواده‌اش شمال بودند که من هم آنجا رفتم. خرما آورد و آغشته به قرص‌های سمی‌ای کرد خواست آن را برای خانواده‌اش ببرم.

متهم ادامه داد: با اصرارش لباس زنانه پوشیدم، ماسک زدم و به خانه آنها در شمال رفتم اما ترسیدم و خرما را تحویلش دادم و گفتم جرأت نکردم. انگار خودش به خوردشان داد و چندروزی بد حال شده بودند. روز آخر از من آرسنیک و سیانور گرفتند. در بوستان محله‌شان آن را تحویل دادم. ۱۰دقیقه بعد مریم، تلفنی شیوه مصرف آن را پرسید و دیگر هم مرا ندید و تلفنم را جواب نداد. بعداز دستگیری فهمیدم دو عضو خانواده‌اش را همراه مینا کشته است. وسوسه پول باعث شد قرص و سم‌ها را به آنها بفروشم.

محسن اختیاری، بازپرس شعبه اول دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت : دو دختر جوان در برابر اتهام مشارکت در دو فقره قتل عمد و مرد جوان در برابر اتهام معاونت در دو فقره قتل عمد قرارگرفته‌اند.

کوتاه از حوادث

قاتل زن جوان پای میز محاکمه

پرونده کارگر تالار که در پی اختلاف مالی ۷۰ میلیون تومانی زنی را در رستوران به قتل رسانده بود، برای محاکمه به دادگاه ارسال شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، فرهاد متهم است بیست‌وپنجم بهمن سال گذشته و همزمان با شب ولنتاین زنی ۴۰ ساله را در محل کارش با ضربه‌های میله آهنی به قتل رسانده بود. او بعد از دستگیری و اعتراف به جنایت روانه زندان شد. در جریان تحقیقات پلیسی-قضایی خانواده مقتول شناسایی شدند و مادر و دختر ۱۷ساله زن کشته شده برای عامل این جنایت درخواست قصاص کردند. با گذشت شش ماه از این قتل متهم ۲۷ ساله برای آخرین جلسه تحقیقات از زندان به شعبه یازدهم دادسرای جنایی تهران منتقل شد و در اظهاراتش گفت: مدتی قبل از طریق اینستاگرام با فتانه آشنا شده و با او در ارتباط بودم. دچار مشکلاتی شده و نمی‌توانستم حساب بانکی داشته باشم.

به همین خاطر پول‌هایم را به حساب این زن واریز کردم که ۷۰ میلیون تومان شد. بعد از مدتی پول‌ها را خواستم که حاضر به پرداخت آن نشد و بهانه‌های مختلف می‌آورد. آن شب در نبود کارکنان تالار او را به محل کارم دعوت کردم و حرف زدیم و از او خواستم که پولم را پس دهد که دعوایمان شد. باشدت گرفتن درگیری با مشت و لگد و بعد میله آهنی، ضربه‌هایی به او زدم که فوت شد؛ فرار کرده و در خانه خواهرم پنهان بودم که دستگیر شدم.

موسی رضازاده، بازپرس شعبه یازدهم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: متهم بعد از اخذ آخرین اظهاراتش به زندان بازگشت. پرونده متهم با صدور جلب به دادرسی به اتهام مشارکت در قتل عمدی به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد.

تصادف ساختگی برای زورگیری

پسر ۱۸ساله که با همدستی مرد قاچاقچی و با تصادف ساختگی زورگیری می‌کردند، دستگیر شدند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، اوایل بهار امسال مردی با حضور در پلیس آگاهی تهران از دو مرد به اتهام راه‌اندازی تصادف ساختگی، کتک‌زدن او و سرقت پول و گوشی تلفن همراهش شکایت کرد . با دستور بازپرس شعبه دوم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران تحقیقات پلیسی ادامه داشت تا این‌که افراد دیگری هم با حضور در پلیس آگاهی تهران شکایت کردند که هنگام تردد در محله‌های مختلف تهران، دو نفر که ترک‌نشین‌های یک موتورسیکلت بودند با آنها تصادف کرده و کف خیابان افتادند. وقتی بلند شدند، رانندگان را با چاقو تهدید کرده و پول وگوشی‌هایشان را به‌سرقت برده‌اند.

شامگاه یکشنبه سی‌ویکم تیر امسال مأموران، هنگام گشتزنی در حوالی میدان فردوسی تهران به دو نفر ترک‌نشین موتورسیکلتی که پلاک آن مخدوش بود، مشکوک شدند و با اخطار به راننده خواستند که توقف کند اما موتورسوار توجهی نکرد و بر سرعتش افزود و فرار کرد . در جریان این تعقیب و گریز و تیراندازی ماموران، ترک‌نشین به زمین افتاد و راکب در تاریکی شب متواری شد . با بازداشت پسر ۱۸ساله او به پلیس آگاهی تهران منتقل شد و گفت: با مهرشاد ۳۱ ساله که سارق و قاچاقچی شیشه است قبل از عید در بوستان محله‌مان آشنا شدم. این دوستی ادامه داشت تا این‌که مرا فریب داد که با او همراه شوم تا پول‌های بیشتری بدون زحمت نصیب‌مان شود که قبول کردم. با تصادف ساختگی سرقت می‌کردیم. مهرشاد مقداری شیشه همراهش بود که برای فروش آورده بود. می‌گفت اگر پلیس او را بگیرد مجازاتش اعدام است. بنابراین در تعقیب وگریز با ماموران او متواری شد و من بازداشت شدم. افضلی، بازپرس شعبه دوم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: با اعتراف متهم او در بازداشت به‌سرمی‌برد و تحقیقات از او برای مشخص شدن دیگر جرایمش و دستگیری همدست فراری‌اش ادامه دارد.